تقویت افلاطون گرایی

هرگز ممکن نیست بشر بتواند از واضحات افلاطون گرایی[1] فاصله بگیرد. هرچه هم در مقدماتش شبهه بکند، این شبهه‌ها با همین مسیری که عرض کردم،کنار می رود. ما شروعمان از کم متصل قار باشد، سؤالات را خوب انتخاب کنیم و بخواهیم نشان بدهیم، نخواهیم اثبات کنیم. با این سه تا ما به راحتی می‌توانیم جلو برویم.

تجرد را ارسطو به ما یاد داد، افلاطون گفت تجرد نیست؛ نگاه است[2]. ما با سؤال‌ها ببینیم به‌ترین واژه و توضیحی که برای شهود داریم، کلمه تجرد است -که یک مفرّ است-یا کلمه‌ی مشاهده،انتخاب و گزینش است؟

---

[1] فلسفه افلاطونی یا پلاتونیسم در صورتی که به عنوان اسم خاص به کار برده شود، به اندیشه‌های فلسفی افلاطون و سایر سیستم‌های فلسفی‌ای که به آن نزدیک هستند یا از آن مشتق شده‌اند گفته می‌شود. در یک کاربرد محدودتر، فلسفه افلاطونی به عنوان یک اسم عام در مقابل نام‌گرایی به کار می‌رود و "وجود" اموری انتزاعی را تأیید می‌کند که گفته می‌شود در یک "حوزه سوم" در مقابل دو حوزه دیگر اظهار وجود می‌کند: دنیای محسوس بیرونی و دنیای هوشیاری درونی. لازم به ذکر است که "فلسفه افلاطونی" در صورتی که در مقابل نام گرایی به کار برده شود، نیازی به پذیرش هیچ‌یک از دکترین افلاطون را ندارد. (همان)

[2] افلاطون مطابق آنچه معمولا در تاريخ فلسفه به وی نسبت می‌دهند، معتقد بوده است كه علم و معرفت به محسوسات تعلق نمی‌گيرد؛ زيرا محسوسات متغير و جزئی و زايل شدنی هستند و متعلق علم بايد ثابت و كلی و دايم باشد. معرفت حقيقی درك «مثل» است كه واقعيت‌هايی كلی و ثابت و دائم هستند و آنها معقولاند نه محسوس. اين معرفت عقلی برای هركسی قبل از اينكه به اين عالم بيايد حاصل شده؛ زيرا روح قبل از اينكه به اين عالم بيايد، در عالم مجردات بوده و «مثل» را مشاهده می‌نموده است. بعد در اثر مجاورت و مخالطت با بدن و امور اين عالم، آنها را از ياد برده است؛ ولی از آنجايی كه آنچه در اين عالم است نمونه و پرتوی از آن حقايق است، روح با احساس اين نمونه‌ها گذشته‌ها را به ياد می‌آورد و از اينرو هيچيك از ادراكاتی كه برای انسان در اين جهان دست می‌دهد، ادراك جديدی نيست، بلكه تذكّر و يادآوری عهد سابق است.

این عقیده منسوب به افلاطون شامل چند جهت است:

۱. روح قبل از تعلق به بدن موجود است.

۲. روح از ابتدای تعلق به بدن معلومات و معقولات زیادی در باطن ذات خود همراه دارد.

۳. عقل مقدم بر حس است و ادراک معانی کلیه مقدم است بر ادراک جزئیات.

۴. راه حصول علم، مشاهده است.

از همان زمان خود افلاطون بوسيل شاگردش ارسطو، با اين عقيده مخالفت شد و وجود معلومات قبلی بلكه وجود روح قبل از بدن و همچنين تقدم عقل بر حس و تقدم ادراكات كلی بر ادراكات جزئی مورد انكار قرار گرفتوجود معلومات قبلی بلكه وجود روح قبل از بدن و همچنين تقدم عقل بر حس و تقدم ادراكات كلی بر ادراكات جزئی مورد انكار قرار گرفت.(اصول فلسفه و روش رئالیسم،مقاله پنجم،ج ۲،ص ۱۲-۱۳)

بازبینی #1
ایجاد شده 10 آوریل 2025 14:50:49 توسط ... .
به روزرسانی شده 10 آوریل 2025 14:51:06 توسط ... .